

**ضرب‌المثل‌های فارسی «گ»**

«گابمه و آیمه و نوبت آسیابمه.»...



«گابمه و آیمه و نوبت آسیابمه.»

«گاو پیشانی سفیده.»

«گاویش زاییده.»

«گاو نه من شیر.»

«گاه باشد که کودکی نادان// به غلط بر هدف زند تیری» سعدی

«گاهی از سوراخ سوزن تو می‌ره گاهی هم از دروازه تو نمی‌ره.»

«گذارو که رو بدی صاحبخونه می‌شه.»

«نرمی ز حد میر که چو دندان مار ریخت// هر طفل نی‌سوار کند تازیان‌اش» صائب تبریزی

«گذر پوست به دباغخانه می‌افته.»

«گر به دولت برسی مست نگردي مردی.»

«گر بری گوش و گر زنی دمبم// بنده از جای خود نمی‌جنبم.»

«گریه برای رضای خدا موش نمی‌گیره.»

«گریه تنبل را موش طبابت می‌کنه.»

«گریه دستش به گوشت نمی‌رسه می‌گه بو می‌ده.»

«گریه را دم حجله باید کشت.»

«گریه را اگر در اطاق حبس کنی پنجه بروت می‌زنه.»

«گریه را گفتند: گهت درمونه خاک پاشید روش.»

«گریه روغن می‌خوره، بی‌بی دهن منو بو می‌کنه.»

«گریه شب سموره.»

«گریه شیر است در گرفتن موش// لیک موش است در مصاف پلنگ» سعدی

«گریه مسکین اگر پر داشتی// تخم گنجشک از زمین برداشتی»

«گر تو بهتر می‌زنی بستان بز.»

«گر تو قرآن بدین نمط خوانی// ببری رونق مسلمانی» سعدی

«گر تو نمی‌پسندی تغییر ده فضا را» (در کوی نیک‌نامی ما را گذر ندادند ...) حافظ

«گر جمله کائنات کافر گردند// بر دامن کبریاش ننشیند گرد»

«گر حکم شود که مست گیرند// در شهر هر آنچه هست گیرند»

«گر در همه شهر یک سر نیشتر است// در پای کسی رود که درویش‌تر است»

«گر در یمنی چو با منی پیش منی// و پیش منی چو بی‌منی در یمنی»

«گرد نام پدر چه می‌گرددی؟!// پدر خویش باش اگر مردی»

«گرز به خوردند پهلوان.»

«گر زمین و زمان بهم دوزی// ندهندت زیاده از روزی»

«گر صبر کنی زغوره حلوا سازیم.»

«گر گدا کاهل بود تقصیر صاحب‌خانه چیست؟»

«گرگ دهن‌آلوده و یوسف ندریده.»

«گرگ‌زاده آخرش گرگ میشه.»

«گرگ که پیر میشه رقاص سگ میشه.»

«گرهی که با دست باز میشه نباید با دندان باز کرد.»

«گفت: پیغمبر که چون کوبی دری// عاقبت زان در برون آید سری» مولوی

«گفت: چشم تنگ دنیا دار را// یا قناعت پر کند یا خاک گور» سعدی

«گفت: خونه فاضی عروسیست. گفت: به تو چه؟ گفت: مرا هم دعوت کرده‌اند. گفت: به من چه؟»  
«گفت: استاد؛ شاگردان از تو نمی‌ترسند. گفت: من هم از شاگردها نمی‌ترسم.»  
«گفتند: خرس تخم میذاره یا بچه؟ گفت: از این دم بریده هرچی بگی برمیاد.»  
«گفتند: خربزه و عسل با هم نمیسازند. گفت: حالا که همچین ساخته‌اند که دارند منو از وسط برمی‌دارند.»  
«گفتند: خربزه می‌خوری یا هندوانه؟ گفت: هر دوانه.»  
«گل بود به سبزه نیز آراسته شد.»  
«گل زن و شوهر را از یک تغار برداشته‌اند.»  
«گله‌گیهات به سرم ایشالا عروسی پسر.»  
«گنج بی‌رنج ندیده‌ست کسی // گل بی‌خار نچیده‌ست کسی» عبدالرحمن جامی  
«گنج بی مار و گل بی خار نیست // شادی بی‌غم در این بازار نیست» مولوی  
«گنج و مار و گل و خار و غم و شادی به هم‌اند» (جور دشمن چه کند گر نکشد طالب دوست... سعدی  
«گنجشک امسالی رو باش که گنجشک پارسالی را قبول نداره.»  
«گنجشک با باز پرید افتاد و ماتحتش درید.»  
«گنجشک با زاغ زوغش بیست تاش به قرونه، گاو میش یکیش صد تومنه.»  
«گندم از گندم بروید جو ز جو» (از مکافات عمل غافل نشو... مولوی  
«گندم خوردیم از بهشت بیرونمان کردند.»  
«گنه کرد در بلخ آهنگری // به شوشتر زدند گردن مسگری»  
«گوساله بسته را میزنه.»  
«گوسفند بفکر جونه، قصاب به فکر دینه.»  
«گوش اگر گوش تو و ناله اگر ناله من // آنچه البته به جایی نرسد فریاد است» یغمای خندق  
«گوشت جوان لب طاقچه‌است.»  
«گوشت را از ناخن همیشه جدا کرد.»  
«گوشت را از بغل گاو باید برید.»  
«گوشت رانم را می‌خورم منت قصاب رو نمی‌کشم.»  
«گوهر پاک بیاید که شود قابل فیض // ورنه هر سنگ و گلی لؤلؤ مرجان نشود» حافظ  
«گیرم پدر تو بود فاضل // از فضل پدر تو را چه حاصل» ~ نظامی  
«گیرم که مارچوبه کند تن بشکل مار // کو زهر بهر دشمن و کو مهره بهر دوست» خاقانی  
«گیسش را توی آسیا سفید نکرده.»